

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عزت آهنگر "نیزک"

دوم اکتوبر 2012

## چشم بردک

سحرگهان گشودم چشم  
درون بسترم مملو ز نور گرم خورشید بود  
ز جا جستم،  
حریر پرده را یکسو کشیدم تا طلوع بینم  
نگاهم خیره در چشم عروس صبحگاهان  
پلکها مدهوش  
و خورشید قطره قطره نور  
بر حلقوم آبی زمان افشان  
شعاع نیزه نورش چه خونین بود  
و تصویرش چه رؤیائی  
پر عظمت و تمکین بود  
چنان از عمق چشم نور افشانش  
موج موج بر دفتر زرین دنیا پخش میگردید  
و اندر بستر آبی آسمان لایه آب طلا پرداس میگردید

نگاهم خیره در چشمان آتشگونه اش  
دل در تپش مست از می نارنجی تنگ فلق  
اشک لذت میچکد از چشم  
ز خود بیخود بدم از اینهمه وجد و شکوه صبح  
که نور افشان و زریپاشان نمود کاجهای زیبا را  
صدای روح فزای قمری از نوک سبز سرو  
سرود لحظه آهسته برو سر داد  
شکوه بخشید محفل را  
عروس فاتح شب،  
خفته در حجله،  
سرفراز و مست پیروزی  
سرش با عشوه و ناز از پس آن کلبه اهرام مانند مقابل جلوه گر گردید  
نگاهم، نگاهم نیز مست از باده نور  
تشنه با دیدار زیبای عروس صبح  
همچنان خیره به چشمان شریر و مست مستانش  
و مدهوش حرکتهای موزون و دلآرایش  
نمیخواهد که اینک لحظه حساس را هرگز هدر سازد  
و خورشید گام در گام دست در دست طبیعت  
دست فشان و شعله افروزان قندیل میشود، سقف دنیا را  
و من با چشمهای خسته باختم چشم بردک را  
به کوه نور  
اما مست و شاداب از شراب نور  
لمیدم لحظه دیگر درون بستر خورشید  
با امید.

\*\*\*\*\*